

زنگ هشداری که باز هم شنیده خواهد شد!

# اشتباهاتی که «امید» را زمین زد

**کزارش یک دنیا جدی**

فاجعه! همین یک کلمه لب مطلب را دادا می کند و توضیحی مکفی از نتیجه کار امیدهای فوتبال ایران در عربستان است؛

یابانی زود هنگام و بدون حتی یک گل زده و قهرنشینی در گروه! هیچ توجیهی وجود ندارد. هر بار که به امید یافتن کوچک ترین بهانه بازی های مرحله گروهی جام ملت های زیر ۲۳سال آسیا را بالا و پایین و زیر و رو می کنیم، سرخو رده تر از قبل به یک جواب می رسیم. تساوی مقابل کره و ازبکستان موفقیت نبود اما باخت به لبنان قهرنشینی که هر دو دیدار قبلی را با شکست پشت سر گذاشته بود و مصاف با ایران برایش صرفا یک دیدار تشریفاتی به حساب می آمد، قطعاً شکست بود؛ شکستی تحقیرآمیز وهشدار دهنده، البته اگر گوشی شنوای این رنگ خطر باشد. بی تردید امیدهای فوتبال ایران نکات مثبتی هم در عربستان داشتند اما برای جبران ناکامی باید دست روی اشکالات و ایرادها گذاشت و فکری برای آن کرد چرا که بر شمردن نقاط مثبت به تنهایی اگر گره گشا بود، کلین شیت های خلیفه در دو بازی نخست و مانور کردن روی آن باید صعود ایران به مرحله بعد را هموار می کرد اما شاید سفر امیدها صرفاً به دلیل همین مهم در عربستان خیلی زود به نقطه پایان رسید. به این دلیل که چشم آنها که باید، صرفا نقاط مثبت را دید!

فوتبال یک بازی گروهی است و کلین شیت زمانی موفقیت محسوب می شود که با گلزنی همراه شود، در غیر این صورت حتی تیمی که دو کلین شیت در کارنامه دارد هم می تواند به عنوان قهر نشین جام ملت های زیر ۲۳ساله های آسیا را ترک کند. آن هم بدون گل زده! دقیقاً همان نقطه ضعیفی که نقطه قوت تیم را هم تحت الشعاع قرار داد!

■ ■ ■

روانخواه خوش فکر بود و قصد داشت با پاس های پر تعداد و ارائه فوتبال مالکنانه مسیر موفقیت را هموار کند. بی تردید مالکیت توپ و تمرکز روی فوتبال مالکنانه یک ویژگی مثبت و تحسین برانگیز است و نزدیک به فوتبال روز دنیا، اما به شرط آنکه فلسفه آن صرفاً به پاسکاری محدود نشود، آن هم تنها نزدیک به دروازه و محوطه امن خودی چرا که اگر این پاسکاری های پر تعداد و حفظ توپ در ادامه به دیگر خطوط زمین متصل نشود، نمی تواند هماهنگی و در نهایت موفقیت ایجاد کند. در واقع این نوع سبک بازی زمانی جواب می دهد که بتوانیم خطوط مختلف را با همین شیوه پاسکاری به یکدیگر متصل کنیم تا مقابل دفاع حریف و در مناطق خطرناک زمین صاحب

موقعیت شده و به نتیجه نهای که گلزنی است برسیم، اما امیدهای فوتبال ایران نتوانستند این سبک را به طور کامل و درست به اجرا در آورند. در واقع شاگردان روانخواه قادر نبودند مالکیت توپ را تحت فشار حریف و زمانی که دفاع آنها فشرده گی بالایی دارد حفظ کنند، شاید چون نفرات این تیم آنقدرها هم که باید در کنار یکدیگر کار، تمرین و بازی نکرده بودندو شاید هم به دلیل نقص هایی که در ترکیب نفرات بود و تفکرات سرمربی برای کوچ کردن شاگردانش. بزرگ ترین مشکل امیدهای ایران در عربستان عدم گلزنی بود. همانطور که بازسازی از زمین خودی و عملکرد قابل تقدیر برای تیم کاملاً مشهود بود، نداشتن استراتژی برای گلزنی هم در این تیم کاملاً مشهود بود؛ ضعیفی که باعث شد امیدهای فوتبال ایران در عین باواری بدون هیچ گل زده ای از گردونه رقابت های جام ملت های زیر ۲۳سال آسیا حذف شوند، آن هم در شرایطی که کاملاً مشخص بود باز یکنان در صدد آن هستند با پاسکاری از زمین خودی راه به دروازه حریف پیدا کنند اما وقتی هیچ یک از این تلاش ها نتیجه نمی دهد و تیم گلی به ثمر نمی رساند، یعنی در برنامه هجومی تیم نقص و مشکل اساسی وجود دارد که تلاش های تیم برای ایجاد موقعیت نمی تواند در نهایت به لرزاندن تور دروازه حریف بینجامد. اینکه صرفاً در یک بازی پنج مرتبه تیر دروازه حریف به لرزه درمی آید اما توپ راهی به چارچوب پیدا نمی کند، هیچ ارتباطی به شانس و اقبال ندارد و برعکس، فرادی بلند از ناتوانی خط حمله یک تیم است، هر چند سهم پورش مدافعان و هافبک های تیم به دروازه حریفان در این رقابت ها به مراتب بیشتر از مهاجمان بود! تمرکز روی بیلدآپ نشان از علاقه روانخواه به ارائه فوتبالی زیبا داشت اما فوتبال زمانی زیباست که با گلزنی همراه باشد. در غیر این صورت با ده ها کلین شیت هم نمی توان به موفقیت رسید و نه رضایت هواداران را جلب کرد.

■ ■ ■

امیدهای فوتبال ایران در حالی بدون به ثمر رساندن هیچ گلی عربستان را ترک کردند که در مقدماتی جام ملت های آسیا عملکردی متفاوت داشتند، به طوری که دو مهاجم این تیم مجموعاً هشت گل به ثمر رساندند( کسری طاهری پنج گل و سعید سحرخیزان سه گل)، اما در شرایطی که طاهری به دلیل مصدومیت شرایط همراهی امیدهای فوتبال ایران در عربستان را نداشت، روانخواه قید سحرخیزان را هم زد و نتیجه این شد که تیم او صرفاً دو گل آن هم برابر قرقیزستان و بحرین (بازی های دوستانه) به ثمر رساند و بعد از آن نه در دیدار

### خلیفه، مطمئن در قفس توری ایران

سه بازی و یک گل خورده آن هم از روی نقطه پنالتی، بدون تردید این عملکرد بسیار خوبی برای یک دروازه بان جوان در مسابقاتی به نام جام ملت های زیر ۲۳سال آسیا محسوب می شود. محمد خلیفه یکی از ستون های اصلی تیم فوتبال امید ایران در عربستان بود. خلیفه نشان داد که اگر مورد توجه قرار گیرد، حتماً نام او را در سال های آینده بیشتر هم خواهیم شنید. اینکه تیم امید در سه بازی فقط یک گل آن هم از روی نقطه پنالتی دریافت کند، هر چند عملکرد خوب خط دفاعی تیم را ثابت می کند اما بدون تردید نقش یک دروازه بان مطمئن در پشت این خط دفاع که وظیفه اصلی رهبری این خط را بر عهده دارد، غیر قابل انکار است؛ نقشی که محمد خلیفه به خوبی از عهده آن برآمد تا فوتبال ایران شاهد آمادگی یک دروازه بان خوب و مطمئن باشد؛ جوانی که می تواند جانشینی شایسته برای سدرنگان فعلی تیم ملی باشد. خلیفه که در دور مقدماتی جام ملت های زیر ۲۳سال آسیا هم دو کلین شیت داشت، در دور گروهی نیز این عملکرد را با یک نمایش درخشان به ثبت رساند و حالا با انگیزه مضاعف برای تداوم همین روند به ایران برمی گردد و امیدوار است در ماه های منتهی به جام جهانی ۲۰۲۶ نیز روند خوب خود را ادامه بدهد و بتواند در فهرست نهایی ایران برای این رقابت ها قرار بگیرد.



### عسکری و یک مصدومیت بد موقع

خیلی روی حضورش در خط حمله تیم امید حساب باز کرده بودیم. به اینکه مشکل گلزنی تیم روانخواه را حل می کند اما جوان گلزن سپاهان بد موقع ربساط داد. دوربین که روی صورت محمد عسکری رفت، مشخص بود که هم تیم هایش گفت: «پایم رفت» و این بدترین جمله کوتاهی بود که می شد در بازی مقابل ازبکستان شنید؛ دیداری که از آن برد می خواستیم و گلزنی؛ دیداری که باید پل صعود ما به مرحله بعدی جام ملت های زیر ۲۳سال آسیا می شد اما نشد، چون تیم بدون مهاجم گلزن نخواهد بود و این مشکلی بود که تا پایان کار تیم امید یقه روانخواه را گرفت. یک مصدومیت بسد؛ مصدومیتی که هم نوید کیا را در اقصیان نگران کرد و هم دست امید روانخواه را خالی گذاشت، به گونه ای که سرمربی جوان تیم امید مجبور شد با بازیکنانی برای حضور در خط حمله استفاده کند که وظیفه اصلی شان توپ رسانی به مهاجمان بود. محمد عسکری در دومین مسابقه تیم امید مقابل ازبکستان به عنوان یار جانشین به زمین رفت اما فقط ۱۰ دقیقه بعد روانخواه مجبور به تعویض اجباری او شد. عسکری که بهترین گلزن این فصل سپاهان و مهره کلیدی طلایی پوشان بود، به علت پارگی رباط صلیبی ادامه فصل را از دست داد. حالا و بازگشت به ایران عسکری تحت عمل جراحی قرار گرفته است و تا زمان بهبودی کامل باید مثل بازی با لبنان فوتبال را با عصای زیر بغل و از روی سکوها نگاه کند.



### «حاشیه» بلاي جان روانخواه

حضورش در تیم امید با حاشیه همراه بود. روانخواه حتی در هوادار هم عملکرد خوبی نداشت و مشخص بود انتخابش به عنوان نفر اول نیمکت تیم امید ایران سرسودی زیادی را به راه خواهد انداخت اما او با وجود تمام حواشی ماند، کارش را انجام داد و نتایج خوبی هم در دور مقدماتی جام ملت ها گرفت؛ نتایجی که واقعاً امیدوارمان کرد به تیم امیدی که معمولاً هیچ امیدی به آن نداریم، البته حاشیه ها تمام نشدنی هستند. درست قبل از اعزام تیم به عربستان یک حاشیه دیگر به وجود آمد تا روانخواه حتی تا پای استعفا هم پیش برود اما هر طور که بود ماند. او مورد حمایت امیر قلعه نویی، سرمربی تیم ملی بود و همین حمایت هم کافی بود که بماند و برنامه هایش را اجرا کند ولی در نهایت سرشوت او هم با تیم امید ایران چیزی بهتر از اسلافش نبود. روانخواه به رغم اکثر کارشناسان فوتبال عملکرد بدی در تیم امید نداشتند اما او هم نتوانست برنامه هایش را به درستی پیدا کند. ایراد روانخواه این بود وقتی دستاunen را خالی دید به جای رفع ایراد تیم شروع کرد به ایراد گرفتن از زمین و آسمان. شاید اگر به جای ایراد به چمن ورزشگاه قدری بیشتر و بهتر روی کارهای تاکتیکی و مشکل گلزنی تیمش کار می کرد، خیلی راحت می توانست صعود و تیمش را راهی مرحله بعد کند اما باز هم اسیر حواشی شد تا باز هم شاهد حذف یک تیم امید دیگر باشیم.



فدراسیون و قلعه نویی در ناکامی امیدها سهیم هستند

# ریشه های ناامیدی امیدها

تیم سرمربی کارش روی نیمکت امیدها تمام خواهد شد. قبل از انتخاب امید روانخواه، پیشنهاد هایی به چند مربی دیگر که در لیگ برتر فعال هستند داده شد ولی هیچ کدام حاضر به قبول مسئولیت نشدند! قاعدتاً هم از نظر مالی به سودشان نبوده و هم از نظر کاری چرا که با این نوع مدیریت و برنامه ریزی، کسی شکی در ناکامی تیم امید ندارد و این موضوع کسی را متعجب نمی سازد. گزینه های دیگر ترجیح دادند کارنامه شان خراب نشود و در لیگ برتر هم دستمزد های میلیاردی شان را بگیرند تا اینکه نام روانخواه مطرح شده؛ گزینه ای که امیر قلعه نویی سرمربی تیم بزرگسالان روی آن نظر داشت و با تأیید او، روانخواه سکادار امیدها شد. به رغم تلاش هایی که روانخواه کرد و با مشکلاتی که سر راه تیمش قرار داشت، امیدها در جام ملت های آسیا به بدترین شکل ممکن حذف شدند و دیگر جای هیچ دفاعی از او و تیمش باقی نمانده است.

■ ■ ■

امروز علاوه بر مهدی تاج، رئیس فدراسیون، قلعه نویی نیز باید پاسخگوی این ناکامی باشد و سهمش را در حذف از جام ملت ها بپذیرد. تاج بارها تأکید کرد امیدها را بنظر سرمربی تیم بزرگسالان فعالیت می کنند و حتی نقش قلعه نویی در انتخاب روانخواه را نیز پنهان نکرد. گره زدن برنامه های امیدها به بزرگسالان آن هم در سال جام جهانی و انتخابی المپیک، اشتباه بزرگ فدراسیون بود و مسئولیت سنگین دیگری را نیز روی دوش قلعه نویی گذاشت. اگرچه قلعه نویی خودش با آغوش باز و آگاهانه این مسئولیت را پذیرفته ولی تیم ملی بزرگسالان هم اوضاع خوبی ندارد و فدراسیون نباید بار اضافی روی شانه سرمربی می گذاشت.

خصوصاً برای تیمی که مشکل اصلی آن (عدم گلزنی) دیده نشد که بر طرف شود. علاوه بر خلیفه، خط دفاعی تیم امید ایران نیز در عربستان عملکرد بسیار خوبی از خود به نمایش گذاشت اما دست آخر قانون نانوشته فوتبال (تیمی که گل نزند، گل می خورد) گریبان روانخواه و پارانش را گرفت، آن هم نه از سوی کره یا ازبکستان که از طریق لبنان؛ تیمی که حتی خودش هم تصورش را نمی کرد تنها بردش در این رقابت ها مقابل ایران رقم بخورد!

■ ■ ■

شاید اگر روانخواه طی تصمیمی دور از انتظار و عجیب در مصاف با لبنان محمود جواد حسین نژاد، کاپیتان تیمش را که در مصاف با ازبکستان یکی از ستاره های ایران بود، نیمکت نشین نمی کرد، شرایط اندکی متفاوت تر بود؛ هافبکی که اتفاقاً در دیدار تدارکاتی مقابل چین(در جریان اردوی آماده سازی دویی) روی تک گل برتری امیدهای ایران نقش داشت و در واقع ارسال او بود که با اشتباه مدافع چین به تک گل آن دیدار دوستانه منجر شد. اما در مصاف با کره و ازبکستان اواسط نیمه دوم تعویض شد و در بازی با لبنان از ابتدا روی نیمکت نشست و حتی به عنوان یار تعویضی هم اجازه ورود به میدان را پیدا نکرد، حال آنکه به عنوان یک بازیکن دریل زن هم می توانست در بازی سازی و ایجاد موقعیت کمک قابل توجهی برای تیم باشد و هم روی ضربات ایستگاهی و کرنرهای پر شمار ی که در آخرین بازی



مرحله گروهی و مصاف با لبنان نصیب ایران شد، مؤثر واقع شود.

بی تردید اینکه امیدهای فوتبال ایران ماهه ها بعد از المپیک در بالاتلکیفی به سر بردند و هفت هشت ماه قبل آقایان اقدام به روشن کردن تکلیف کادرفنی آن کردند، در نتایج کسب شده امروز بی تأثیر نیست. همانطور که انتخاب یک مربی جوان و کم تجربه که کارنامه قابل استنادی نداشت، در آنچه امروز شاهدیم بی تأثیر نیست. شاید اگر روانخواه تجربه و پختگی کامل را داشت، اوضاع اندکی متفاوت بود چرا که این بار هم باشگاه ها نهایت همکاری را داشتند و هم در این اندک زمان ممکن اردوها و بازی های دوستانه تدارک دیده شد که اگرچه کافی نبود اما نسبت به همیشه خیلی خوب بود، با وجود این نتیجه همان شد که همیشه شاهد هستیم؛ ناکامی، ناکامی و باز هم ناکامی؛ ناکامی ای که گویی قرار نیست گریبان امیدهای فوتبال ایران را رها کند. حداقل نه تا زمانی که تصمیمات گرفته شده انطور که باید و شاید اصولی نیست و صرفاً نام ها تغییر می کنند؛ نام هایی که هر بار می گوئیم این مرتبه قرار است کاری کنند کارستان اما همیشه نتیجه واحد را شاهدیم؛ ناکامی هایی که به اخراج منجر می شوند و بالاتلکیفی دوباره امیدهای فوتبال ایران که هر بار ناامیدتر از قبل مان می کنند، امیدهایی که بی تردید توان کسب موفقیت را دارند اما در مسیر درستی قرار ندارند تا طلسم ناکامی های خود را بشکنند و نتیجه ای متفاوت را رقم بزنند.